

گزارش «فرهیختگان» از آخرین وضعیت خروج مهاجران از کشور و فرصت‌ها و تهدیدهای آن

در مرز دو غارون چه خبر است؟



زینب مزروقی خبرنگار گروه جامعه

نادر یاراحمدی، رئیس امور اتباع و مهاجرین خارجی وزارت کشور یا حضور در گفت‌وگوی ویژه خبری ۱۶ تیر ماه اعلام کرد که «از ابتدای سسال جاری تا روز گذشته تعداد ۷۱۷ هزار و ۶۵۸ نفر از اتباع را از سه مرز خروجی به کشور افغانستان فرستادیم که عمده خروج از خراسان رضوی انجام می‌شود و افراد غیر مجازی که در کشورند، باید کشور را در موعد مقرر ترک کنند.» بنا به گفته رئیس امور اتباع و مهاجرین خارجی کشور فرایند خروج اتباع افغانستانی در کشور باید تسریع شود و از اتباع خواست در اولین فرصت با رساندن خودشان به اردوگاه‌های مرزی، از کشور خارج شوند.

با خاطیان در ورود مهاجران برخورد کنید

هم‌زمان با شروع جنگ تحمیلی ۱۲ روز فرایند خروج اتباع افغانستانی سرعت بیشتری گرفت. براساس خبرهای متعددی که از رسانه‌های مختلف منتشر شد، ردپای اتباع در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با اسرائیل و جاسوسی برای اسرائیل واضح است. همچنین واضح است در دوره‌ای نسبت به ورود مهاجران افغانستانی بی‌مبالاتی صورت گرفته و تعداد زیادی مهاجر غیرقانونی از مرزهای مختلف و بیش از حد ظرفیت کشور، وارد کشور شده است. علاوه بر ورود تعداد بالایی مهاجران در بازه مشخص شده به کشور واضح است که در دوره‌ای در مدیریت و ساماندهی اتباع کوتاهی شده و در بطن جامعه تقسیم‌بندی درستی میان مهاجران غیرقانونی و قانونی و شناسنامه‌دار و بی‌شناسنامه انجام نشده‌است. در موج‌های مختلف مهاجرتسری‌شاهد بودیم که منتقدان به حضور اتباع، برایشان حضور چند دهه اتباع یا خانوارهای جدید اتباع و اتباع تازه‌وارد، تفاوتی ندارد و بر این باور بودند تمام اتباع حاضر در کشور باید ایران را ترک کنند. تمام این حالات در کنار هم مدیران مربوط را برای ساماندهی اتباع به شرایط اضطرار رسانده و بالاخره مدیران وزارت مدنی است برای ساماندهی اتباع افغانستانی دست به اقدام زده‌اند. اما اکنون در مقام اقدام ساماندهی باید چه کاری کرد؟ در وهله اول آنچه مهربن و واضح است، این است که مهاجران غیرقانونی باید ایران را ترک کنند. بسیاری از مهاجران موتور محرک اقتصادی کشورند، پس از اخراج اتباع غیرقانونی، اتباع قانونی بسته به نیاز کشور خصوصاً در بخش اقتصادی باید ساماندهی و هویت‌بخاش شوند. در روزهای اخیر تصاویری از ممنوعیت حضور اتباع در حسینیه‌ها و مراسم عزاداری و برخورد نامناسب تعدادی از شهروندان با اتباع منتشر شد. اتباع چه مجاز باشند و چه غیر مجاز باید خروج آن‌ها با احترام و تکریم صورت بگیرد. با توجه به چند دهه میزبانی ایرانی‌ها از اتباع سوای از مجاز و غیر مجاز بودنشان، رفتار غیر اخلاقی با اتباع در شان هموطنان ایرانی نیست. همچنین مسئولان ایرانی باید در مرادات سیاسی خود با طرف افغانستانی باید از طالبان و مسئولان مربوطه آن‌ها تمهید بگیرند که افراد فراد شده از ایران دیگر به ایران بازنگرند. البته در این میان ناگفته‌نماند خود مسئولان ایرانی نیز به مردم تمهید بدهند که پاسبانی بهتری از مرزهای شرقی داشته باشند تا دیگر مهاجران به صورت غیر مجاز وارد ایران نشوند. در برهه‌های مختلفی خصوصاً پس از ورود دوباره طالبان؛ موج قابل توجهی از مهاجران افغانستانی وارد کشور شدند و مرزها آن‌طور که باید کنترل نشدند. مسئولان فعلی ضمن معرفی خاطیان در کنترل مرزها در آن سسال‌ها و رسانه‌ای کردن مقصران وضع امروز، باید برای برخورد قاطع با آن‌ها نیز اقدام کنند.

مسئولان باید دربارهٔ وقایع ضد امنیتی اتباع شفاف باشند

با توجه به فضا و موضع‌گیری‌های هر دو طرف، یعنی موافقان و مخالفان اخراج اتباع، محسن اسلام‌زاده، مستند ساز تصمیم گرفت در مرز و در اردوگاه‌های صفر مرزی حضور پیدا کند تا به خوبی فضای به وجود آمده را بررسی کند. وی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» درباره وضعیت مرزهای ایران و افغانستان در این روزها گفت: «ما قائل به بازگشت افغانستانی‌ها هستیم، اما درباره وقایع ضد امنیتی اخیر که در جریان جنگ مطرح شد و چهره مهاجران مخدوش شده، به نظرم بیش از نیمی از این فضا غیر واقعی بوده است. اگر واقعی بوده، به هر صورت سایت‌ها، برخی کانال‌های تلگرامی و اپلیکیشن‌های دیگر باید اعلام کنند و مسئول امنیتی باید بیاید و بگوید این تعداد اقدامات ضد امنیتی داشته‌ایم. من بیشتر فکر می‌کنم جریانی که در دوسال اخیر پرچم مهاجره‌راسی را بلند کرده بود، پشت این قضیه است.» اسلام‌زاده ادامه



می‌دهد: «بازگشت افغانستانی‌ها باید به دلیل مشکلات اقتصادی انجام شود. خیلی راحت بگویم ما ۴۵،۴۰۰ سال پذیرایی کردیم، اما الان مشکلات زیادی داریم، به‌ویژه در اقتصادمان. کشور توان این جمعیت چند ملیونی را ندارد و لازم است بخشی از آن‌ها، به‌خصوص غیرقانونی‌ها، به کشور خودشان برگردند. نیازی نیست بگویم این بازگشت به خاطر اقدامات ضد امنیتی بوده است. به‌نظم اگر صادفانه صحبت کنیم، بهتر است. در اعلام تاریخ خروج مهاجران ما به جنگ برخوردیم و پس از جنگ یک هجوم سراسری ایجاد شد که هم در مرزها و هم در اردوگاه‌ها ازدحام زیادی به وجود آمد. تمام فیلم‌هایی که می‌بینیم و منتشر می‌شود، نشان‌دهنده برخورد هایی با مهاجرین است که مربوط به همان روزهاست.»

ورود مهاجران تا ۶ برابر ظرفیت اردوگاه‌ها بود

اودر باره وضعیت اردوگاه‌های این روزهای مشهد گفت: «در اردوگاه حسن‌آباد مشهد که در جاده شسانیز قرار دارد، ظرفیت اولیه حدود دو تا سه هزار نفر بود، چون این اردوگاه برای خود معرف‌ها طراحی شده‌است، یعنی کسانی که خودشان و خانواده‌شان داوطلبانه برای بازگشت مراجعه می‌کنند. اما در روزهای اول موج بازگشت مهاجران، تاروزی ۱۲ هزار نفر به این اردوگاه مراجعه کردند و با هجوم جمعیتی مواجه شدند. زیرساخت‌ها ناگهان چهار، پنج یا حتی شش برابر بیش از ظرفیت‌شان مهاجر داشتند؛ از اتوبوس گرفته تا سایه‌بان- چون در روزهای گرم تابستان بودیم- تا یاخت پذیرایی و حتی تأمین آب.وقتی ظرفیت‌ناگهان شش برابر می‌شود، طبیعتاً همه‌شکل بر می‌خورد.» وی ادامه داد: «من روز ۱۶ تیر، یک روز بعد از پایان مهلت تعیین شده، به آنجا بازدید داشتم. خوشبختانه شنیدیم این مهلت حداقل دو هفته تمدید شده ویه همین دلیل ازدحام خیلی کاهش پیدا کرده‌بود. سرویس دهی بسیار مرتب بود، با خیلی‌ها صحبت کردم و هیچ‌کس ناراضی نبود با خاطراتی خوش از ایران بر می‌گشتند. خودشان می‌گفتند مامدت زیادی اینجا بودیم، کار کردیم، زحمت کشیدیم، با ایرانی‌ها رابطه‌مان خوب بوده و آن‌ها هم با ما خوب بودند. حالا که ضرب‌الاجل برایشان تعیین کرده‌اند، داریم به کشورمان بر می‌گردیم. در همان اردوگاه حسن‌آباد مشهد دیدم که برایشان اتوبوس تهیه کرده‌اند، مرتب سایه‌بان گذاشته‌اند تا در گرما آذیت نشوند، حتی چند مرکب مردمی از خود افغانستانی‌ها آمده بودند و صبحانه، ناهار و آب برایشان در مسیر فراهم می‌کردند و بعد آن‌ها راراهی مرز می‌کردند.»

سرویس دهی در مرز ایران و افغانستان بهتر شده است

این مستند ساز عنوان کرد: «من هم به سمت مرز رفتم. مشکلات بیشتر در نقطه صفر مرزی بود، در مرز اسلام‌قلعه که یک منطقه بیابانی با طوفان‌شن است. وقتی مهاجران به سمت مرز حرکت می‌کنند، معمولاً ظهر می‌رسند و ازدحام عجیب و غریبی در آنجا ایجاد شده‌بود. مرزبانن طرف افغانستانی هم به مشکل برخورد بودند، چون آن‌ها هم امکانات کافی در آن سوی مرز نداشتند. این هجوم ناگهانی جمعیت باعث تنش شده بود، اما حالا که چند روز گذشته و وزارت کشور مهلت را تمدید کرده،

با نگاهی شناختی به نقش حضرت زینب(س) در امتداد عاشورا

زن، روایت و بازسازی روان جمعی در پسا جنگ

کمال آخیش پژوهشگر

در پس هر جنگ، خرابی فقط در ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها نیست؛ ویرانی اغلب در سطحی عمیق‌تر و ناپیداتر رخ می‌دهد؛ روان‌انسان‌ها، حافظه جمعی، نظام باورها و انسجام اجتماعی. بازسازی در چنین شرایطی، صرفاً یک فرایند مهندسی یا سیاسی نیست؛ بلکه نیازمند ترمیم ذهن، احیای معنا و بازآفرینی پیوندهای روانی و فرهنگی است. در این میان، علوم شناختی، و روان‌شناسی اجتماعی و مطالعات حافظه بر یک واقعیت بنیادین تأکید دارند؛ روایت‌گری، راهی شناختی و اجتماعی برای عبور از بحران و بازبایی احساس معنا و امنیت است، و در دل این روایت‌گری، صدای زن، جایگاهی بی‌بدیل دارد.

زن، از موضوع روایت تا سوزه معنا

زن امروز برخلاف تصوره‌های سنتی، دیگر موضوع روایت نیست؛ اوسوزه معنابر داز است، کنشگری که می‌تواند بحران را روایت کند، معنا ببخشد و حافظه‌ای نو خلق کند. از ملاله یوسف‌نزی در پاکستان تا نادیا مراد در عراق، از هند عامر پزشکی فلسطینی تا هزاران زن ایرانی، همگی در بستر جنگ و رنج، صدای خود را با یافته‌اند. صدایی که صرفاً برای سوگداری نیست، بلکه برای معنابخشی، روایت حقیقت، و بنیان‌گذاری یک حافظه مقاوم است. در تاریخ مذهبی ما، الگویی روشن از این سوژگی زنانه دیده می‌شود. حضرت زینب(س) نه فقط بازمانده کربلا، بلکه راوی آن شد. روایتی که احیاگر بود. یک بازآفرینی بود. بنایی نو برای تداوم گفتمان امام حسین(ع). در زبان علوم‌شناختی، حضرت زینب برای من توان مصداق کامل یک بازمانده معنابر داز دانست؛ زنی که با بربان آوردن فاجعه، نه فقط آن را روایت، بلکه آن را در حافظه جمعی حک کرد.

روایت‌گری زنانه: ضرورتی شناختی

در علوم اعصاب و روان‌شناسی شناختی، شواهد متعددی بر قدرت عاطفی و حافظه‌ای زنان وجود دارد. تحقیقات نشان داده‌اند زنان دارای حافظه و دیداری و هیجانی قوی‌تری نسبت به مردان‌اند، به‌ویژه در به یادآوری جزئیات عاطفی رویدادهای دردناک. ساختار مغز آنان- از جمله فعالیت بیشتر آمیگدال و نواحی مرتبط با زبان- سبب می‌شود روایت‌گری عاطفی، یکی از ظرفیت‌های شناختی طبیعی در زنان تلقی شود.^۱ در نظر به بازسازی روایی (Narrative Reconstruction) آمده عبور از آسیب‌روانی،

و افغانستان است، در نظر گرفته شده بود. به نظر من، فضا به سمت آرامش می‌رفت و طرف افغانستانی هم کاملاً ایران را درک و صحبت می‌کرد.»

نباید کاری کنیم که کینه ایجاد شود

اسلام‌زاده بر این باور است که فرایند خروج مهاجران به هر ترتیب باید با تمهیدات بهتری صورت بگیرد. «مسئله‌ای که خودم دارم این است که به هر حال باید نهادهای مسئول تمهیداتی ترتیب دهند تا افراد در صورت بازگشت، فرایندی بهتر داشته باشند. بیش از ۴۰ سال است که از مهاجران افغانستانی پذیرایی می‌کنیم. همیشه در کنار هم بوده‌ایم، در مشکلات زیادی که آن‌ها داشتند، از تجاوز شوروی به این کشور تا تجاوز ناتو و آمریکا، که هر کدام مسائلی ایجاد کرده و سیل جمعیتی را به سمت جمهوری اسلامی ایران فرستاده است. خدمات بسیار زیادی که جمهوری اسلامی به آن‌ها ارائه داده و آن‌ها هم اکثر در ازای آن کار کرده‌اند. نباید کاری کنیم کینه ایجاد شود، آن هم در این موقعیت حساس که به هر حال انواع فتنه‌ها را بر سر این کشور پیاده می‌کنند تا فضای روانی جامعه را به هم بریزند. برای همین ما با دوستانمان در وزارت کشور صحبت کردیم که مثلاً دستگیری‌های ناگهانی در هینت‌ها چندان وجهه جالبی نداشت و می‌شود این‌ها را مدیریت کرد یا برخی مهاجران انتقاد داشتند که موبایلشان گرفته شده یا پولی به‌صورت غیرقانونی از آن‌ها گرفته شده است. این مسائل را دید روز دیدم که نماینده افغانستان در جلسه کمیته مرزی مطرح کرد. جالب بود که طرف ایرانی با این مسائل را از جلسات قبلی پیگیری کرده بود یا قول پیگیری داد و قرار شد همه این‌ها حل شود.»

دشمن روی موج مهاجرتسری کار می‌کند

وی ادامه داد: «ما که مدتی درگیر پرو پاگاندا و موج اخبار مهاجرتسری در برخورد با مهاجران بودیم، اما واقعیت ماجرا به آن شدتی که در برخی روایت‌ها گفته می‌شود، نیست که مثلاً کرامت مهاجران را رعایت نمی‌کنیم یا وضعیت مرز اسفبار است. این‌گونه نیست. به دلیل فشاری که به یک‌باره ایجاد شده، مثلاً موجی که باید مهاجران را می‌گرفتند و طرد می‌کردند، باید واقعیت‌ها را پذیریم. بالاخره نیروی انتظامی هم انسان است. وقتی تحت فشار و در تنگنا قرار می‌گیرد و به او گفته می‌شود باید روزانه این تعداد طرد شوند، رفتارش کمی تغییر می‌کند و فشار روی او می‌آید. اما حالا که جدول زمانی تعیین کرده‌اند و فرصت بیشتری می‌دهند، به نظم فضا بهتر شده و جلوی تک‌اتفاق‌ها هم گرفته می‌شود.» این مستند ساز عنوان کرد: «حالا می‌شود سازوکاری طراحی کرد که اگر مشکلی پیش آمد، بازرسی خود نیروی انتظامی آن را پیگیری کند تا این اتفاقات نیفتد، چون گاهی فیلمی منتشر می‌شود و مسئله‌ای ایجاد می‌کند که واقعاً تنش‌زاست. در این چند سال شاهد بودیم برخی فیلم‌ها یا عکس‌هایی منتشر شده، مثلاً عکسی از یک هیئت که کاغذی زده‌اند که «ورود اتباع ممنوع». این‌ها برای کشور ما خیلی زشت است. دشمن روی همین‌ها کار کرده و کینه درست کرده است. الان یکی از امن‌ترین مرزهایمان که در وقایع اخیر هیچ اتفاقی از آن جانب رخ نداده، مرز افغانستان بوده است. چرا بیاییم بی‌جهت برای خودمان کینه و مسئله درست کنیم، در شرایطی که خیلی داریم تلاش می‌کنیم؟»

درخواست دولت افغانستان این بود که خروج اتباع طبق زمان بندی صورت بگیرد

اسلام‌زاده در باره وضعیت چند روز گذشته مرز گفت: «من در مرز بودم دیدم نهادهای مختلف حضور پررنگی دارند. نیروهای مردمی هم آمده بودند و مثلاً می‌گفتند ناهار می‌دهیم، یک بسته دیگر هم برای مسیر مرز می‌دهیم تا حداقل بتوانی خودت را برابرحتی تا شهر هرات برسانی. دولت افغانستان هم این حق را به ما می‌داد و می‌گفت شما تا حالا پذیرایی کردید، حالا حق دارید که به‌صورت قانونی این‌ها را برگردانید. فقط درخواستشان این بود که این بازگشت با یک جدول زمانبندی انجام شود که به نظر می‌رسد این اتفاق در حال رخ دادن است. شنیدم چند نفر برای دریافت برگه خروج مراجعه کرده بودند و به آن‌ها گفته شده بود بریود ۱۰ تا ۱۵ روز دیگر بیایید، الان ظرفیت تکمیل است. ماباید برای این ماجرای بازگشت عزتمندان به زیرساخت‌های خودمان راهکاری داشته باشیم. نباید جوری باشد که خارج از ظرفیت زیرساختی، افراد را تشویق، ترغیب یا مجبور به بازگشت کنیم و بعد فشارش به اردوگاه‌ها و مرز بیاید. آن‌ها الان شاید با ۱۰ برابر ظرفیت معمولشان کار می‌کنند. حالا که ۱۰ برابر شده، واقعاً بیشتر از این کشش ندارد. اصل حرکت، حرکت خوبی است که مهاجر بالاخره باید به کشورش برگردد.»

۵. زن، کنشگر حافظه‌سازی ملی

۶. همان‌گونه که حضرت زینب(س) با بازگویی کربلا صاحب گفتمان شد، زنان امروز نیز می‌توانند با روایت تجربه‌های شخصی و خانوادگی از جنگ، نقش فعالی در شکل دادن به هویت جمعی آینده ایفا کنند.

ضرورت طراحی کمپین‌های زن محور رسانه‌ای

اگر زن راه‌متابه راوی بحران بپذیریم، آنگاه باید سازوکارهای شنیده‌شدن صدای او را نیز فراهم کنیم. تجلیل از نقش زن کافی نیست؛ باید زیرساخت شنیده‌شدن روایت او را ساخت. این زیرساخت می‌تواند در قالب:
- رسانه مستقل یا زیر مجموعه‌ای برای روایت زنان در رسانه‌های ملی
- پلتفرم دیجیتال چندرسانه‌ای برای مستندسازی و بازنشر خاطرات و روایت‌های زنان (با امکان ترجمه بین‌المللی)
- تأسیس NGO یا راه‌اندازی پوشش‌های برای معنابر دازی زنانه در حافظه پسا جنگ صورت بگیرد.

سخن پایانی: زن، حقیقت و آینده

در جهانی که رسانه‌ها بر سر تسلط حقیقت می‌جنگند، زن صدایی است برای حقیقتی انسانی‌تر، چندصداتر و شفاف‌بخش‌تر. طراحی برنامه‌ها و کمپین‌هایی با محوریت زن، بخشی از راهبرد شناختی در بازسازی روان ملی پس از جنگ است؛ همان‌طور که حضرت زینب با واژه‌ها، کربلا را زنده نگه داشت، زن امروز ایران نیز می‌تواند با روایت، سرزمین را از نو معنا کند.

منابع علمی:

1- Cahill, L. (2006). Why sex matters for neuroscience. Nature Reviews Neuroscience, 7(6), 477-484.
2- Neimeyer, R. A. (2011). Meaning reconstruction & the experience of loss. APA press.
3- Fivush, R., & Merrill, N. (2016). Intergenerational narratives and the development of identity. In Oxford Handbook of Identity Development.

Regulation) شناخته می‌شود و نقش مهمی در ساختن هویت پایدار ایفا می‌کند.

حضرت زینب(س) وسه الگوی روایت‌گری زنانه

الگو برداری از حضرت زینب(س) در بازسازی قطع یا پسا جنگ، می‌تواند در سه مسیر کلیدی رسانه‌ای و اجتماعی، راهگشا باشد:

۱. زن، راوی حقیقت انسانی جنگ

۲. در برابر زبان رسمی نظامی جنگ، روایت زنانه به مینساز همدلی، تجربه‌پذیری و التیام روانی است.

۳. زن، مرجع آرام‌سازی روان جمعی

۴. روایت‌های زنانه اگر در دستر هنر مندان رسانه‌ای-پاکست، مستند، داستان کوتاه، یا روایت دیجیتال-پردازش شوند، می‌توانند سرگ را به حافظه مقاوم بدل کنند.